



The Status and Role of Clerical Uniforms in the Ethical Activity of the Clergies: the Clothes of the Prophet and the Clothes of the Being a Messenger

Ali Asghar Islami Tanha *

Abstract

The "uniforms of the Shiite clergy" has found a distinct and symbolic identity in our society. The question of the status and role of this uniform in the ethical activity of the clergy is the main concern of this article. based on the analytical-historical method, Recognition of the identity, functions, norms and ethical challenges of Clerical uniform, showed that Its symbolic and historical attribution to the Prophet of Islam (PBUH), its religious desirability and its symbolic identity - which implies the social role of the clergy and the communicative identity of this role - make it a religious and sacred garment, as it is known in popular culture of Shiite activists. "Prophet's clothing" and "messenger clothing" and religious messaging. Understanding the functions and customs, norms and moral challenges of wearing "Prophet's clothes" and "Messenger's clothes" are other results of this research.

Keywords

Clerical uniforms, Shiite clergy, professional ethics, formal clothes, Prophet clothes, messenger clothes.

* Assistant Professor, Department of Cultural Studies and Communication, Faculty of Culture and Behavioral Social Sciences, Baqer al-Uloom University, Qom, Iran.
islamitanha12@gmail.com

جایگاه و نقش تلبس در اخلاق کنشگری روحانیت: لباس پیامبر و لباس پیامبری علی اصغر اسلامی تنها*

چکیده

لباس روحانیت شیعه، در جامعه ما به تدریج شکلی متمایز و هویتی نمادین یافته است. پرسش از جایگاه و نقش این لباس در اخلاق کنشگری روحانیت، دغدغه اصلی این جستار است. بازشناسی هویت، کارکردها، هنجارها و مسائل اخلاقی تلبس، مبتنی بر روش تحلیلی-تاریخی نشان داد که انتساب نمادین و تاریخی آن به پیامبر اسلام ﷺ، مطلوبیت دینی این نوع تلبس و ماهیت نمادین آن (که دلالت بر نقش اجتماعی روحانیت و هویت ارتباطی این نقش دارد)، موجب شده این لباس، نه تنها لباسی دینی و مقدس تلقی شود، بلکه همان گونه که در فرهنگ عمومی کنشگران شیعی مشهور است، از جایگاه «لباس پیامبر» و «لباس پیامبری» و پیام‌رسانی دینی برخوردار شود. بازشناسی کارکردها و هنجارها و مسائل اخلاقی تلبس به لباس پیامبر و پیامبری از دیگر نتایج این جستار است.

کلیدواژه‌ها

لباس روحانیت، روحانیت شیعه، اخلاق کنشگری، لباس رسمی، لباس پیامبر، لباس پیامبری.

جایگاه و نقش تلبس در اخلاق کنشگری روحانیت؛ لباس پیامبر و لباس پیامبری





مقدمه

لباس و پوشش، پدیده‌ای که در گستره تاریخ مکتوب حیات بشری و پهنای جغرافیای مسکون زمین قابل مشاهده است. لباس پوشیدن، شأن خاص انسان (حداد عادل، ۱۳۷۴، ص ۵) و یکی از آیات الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۷۰) است. از منظر دنیوی و پدیده‌شناختی، لباس پدیده‌ای فرهنگی است که برای انسان در زیست اجتماعی این جهانی دارای کارکرد ستر و پوشانندگی بدن، محافظت تن از سرما، گرما و آسیب‌ها، و زینت و آراستگی برای تمایز و شناخت است. از منظر دینی (اسلامی) و آیه‌شناختی، لباس آیتی نازل شده برای انسان است که افزون بر کارکرد پوشانندگی (یواری) و تزئین تن (ریشاً)، واجد حکمت اخلاقی و پرهیزکاری (تقوا) است و «لباس تقوی» از همه لباس‌ها بهتر است.^۱

بر خورداری از این بینش آیه‌شناختی باعث شده است در تمدن اسلامی مسئله لباس ابداً یک امر سطحی و بی‌اهمیت تلقی نشود؛ به تعبیر نصر، «مسلمین با توجه و تکیه‌ای که در طول قرن‌ها بر تعالیم شریعت در باب متانت و سادگی داشتند و نیز با عنایت به سرمشق‌های مستقیم پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و بالاخره نیازها و ضرورت‌های اقلیمی و مشرب‌ها و ذوق‌های قومی، انواع گوناگونی از لباس‌های زیبای مردانه و زنانه ابداع کردند.

لباس‌های مردانه و زنانه همواره به‌نحوی طراحی می‌شدند که شأن و شرافت ظاهر اندام و حرکات بدن بشر به‌عنوان مخلوق خدا و به‌عنوان خلیفه خدا روی زمین کاملاً ملحوظ و محفوظ باشد و ضمناً مایه زیبایی حرکات در طی نمازها و نیایش‌ها شود که عملاً با غایب شدن این لباس‌های سنتی دیگر چنین زیبایی‌هایی در این اعمال مشهود نیست. مشخصه لباس‌های اسلامی مردانه عمامه است که حدیثی در باب آن

۱. «يا بني آدم قد أنزلنا عليكم لباساً يواري سوآتكم و ريشاً و لباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله لعلهم يدكرون» (اعراف، ۲۶).

می‌فرماید: "جامعه اسلامی مادام که مردان آن عمامه بر سر داشته باشند، گمراه نخواهد شد". این حدیث در حالی که نمادین و سمبولیک است، به خوبی اهمیت عمامه را که یکی از زیباترین پوشش‌های سر در جهان است، نشان می‌دهد. بر سر گذاشتن عمامه به یک معنا کنایه از این است که باید گردن فراداشت و از وظیفه‌ای که به عنوان خلیفه خدا بر دوش انسان است، غافل نبود. مشکل می‌توان با بر تن داشتن لباس‌های سنتی اسلامی، لادری یا ملحد بود؛ زیرا این لباس‌ها در واقع، به معنای ظهور یا اظهار این وظیفه روحانی است که انسان نماینده خداوند بر روی زمین است، کنار گذاشته شدن لباس‌های سنتی اسلامی، همچون ازدست رفتن معماری و بافت شهری سنتی اسلامی، به معنای ضایعه و خسروانی بزرگ برای تمامیت و جامعیت تمدن اسلامی است که مسلمین از ابتدای تاریخ اسلامی در بطن و آغوش آن زیسته و تنفس کرده‌اند» (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۶۲).

ملاحظه هر دو منظر، گواه آن است که در جهان انسانی، لباس توانسته با همه عناصر فرهنگ از جهان‌بینی، ارزش‌ها، تاریخ، سیاست، اقتصاد و زیست‌بوم پیوند یابد و هویت نمادین پیدا کند. اگر لباس پوشیدن به منزله یک فعل انسانی و کنش اجتماعی دارای خصلت نمادین است، پس می‌توان از الگوها، هنجارها، آداب و رسوم، معنا و کارکرد آن پرسید؟

این پرسش درباره لباس‌های خاص و رسمی (مثل لباس نظامیان، لباس پزشکان و لباس روحانیان)، به دلیل موضوعیت و تأثیرگذاری آن، اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا لباس فرم تأثیر روان‌شناختی شگفت‌انگیزی دارد. بسته به جایگاه و نقشی که لباس بر آن دلالت دارد و زمینه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن نقش در جامعه می‌تواند هیجان‌هایی از امید، غرور و احترام گرفته تا ترس، عصبانیت و نفرت را به وجود آورد. به همین دلیل است که در این نوع پوشاک قواعد تلبس در قالب اعطا و خلع لباس تجلی یافته و هویت مشروعیت‌بخشی و تنبیه و مجازات را دارد.

دانش‌آموختگان علوم دینی پس از دوره فراگیری عمومی معارف دینی در



حوزه‌های علمیه، غالباً در پوششی متمایز از مردم به «لباس روحانیت» درمی‌آیند. این تمایز در فرایندی تاریخی تحقق یافته است؛ به گونه‌ای که امروزه از این لباس متمایز با عنوان لباس سازمانی روحانیت یاد می‌شود.

برخی از پژوهشگران معاصر به بازشناسی این لباس که در پویایی اجتماعی خود، هویت نمادین یافته و به نشانه تمایزبخش تبدیل شده است (اسلامی تنها، ۱۳۹۱) توجه نشان داده‌اند؛ عالم‌زاده نوری، در دو اثر پژوهشی «لباس روحانیت؛ چراها و بایدها» (۱۳۸۷) و «درآمدی بر زی طلبگی با رویکرد اخلاقی» (۱۳۹۳)، به معرفی لباس و فواید و مسائل تلبس و هنجارهای رفتاری ملبسین پرداخته است.

شعبانی فرد نیز مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری را در مراسم عمامه‌گذاری، در قالب کتاب «تاج آسمانی» منتشر کرده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). مهدی مسائلی نیز ضمن معرفی لباس در فصل سوم کتاب خود، آداب و مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی لباس روحانیت را بررسی کرده است (مسائلی، ۱۳۹۸).

نگارنده نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانش‌آموختگان حوزوی به لباس روحانیت» (اسلامی تنها، ۱۳۸۹) و در مقاله «لباس روحانیت به مثابه دال سیاسی در ایران» (همو، ۱۳۹۱) به بررسی ابعاد اجتماعی و سیاسی این لباس پرداخته است. سمیه شهباز نیز در مقاله مستخرج از پایان‌نامه ارشد خود به بازشناسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش جامعه به لباس، در تجربه زیسته همسران طلاب پرداخته است (شهباز بروجنی، ۱۳۹۷). ضمن بهره‌مندی از نتایج این مطالعات، پرسش اساسی این جستار آن است که جایگاه و نقش این لباس متمایز با توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی تقویم خود در کنشگری اجتماعی روحانیت معاصر شیعه چیست؟ نگارنده تلاش دارد با اتخاذ رویکرد تحلیلی و تاریخی در مسیر پاسخ‌گویی به این پرسش گام بردارد.



۱- چيستی‌شناسی لباس روحانیت شیعه؛ عناصر تشکیل‌دهنده

آنچه امروز لباس روحانیت نامیده می‌شود، از چند جزء تشکیل می‌شود و «لباس رسمی و متمایز» علمای شیعه است که در حقیقت لباس سازمانی و معرّف سمت، جایگاه و نماد و نشان نقش اجتماعی آن‌ها در جامعه است. این لباس سازمانی از اجزاء و عناصر متعددی تشکیل شده است که به دو دسته کلی عناصر اصلی شامل عبا، قبا و عمامه (لباده نیز نوعی قبا است) و عناصر فرعی شامل نعلین، تسییح، عطر، انگشتر، شال کمر و گردن تقسیم می‌شود. لباس روحانیت، بدون وجود عناصر اصلی کامل نیست و در صورت وجود آن‌ها ولو هیچ کدام از عناصر فرعی وجود نداشته باشد، اطلاق تلبس به لباس روحانیت صحیح است؛ از این رو، فقط به معرفی عناصر اصلی لباس روحانیت می‌پردازیم.

۱-۱. عمامه

عمامه، قطعه پارچه‌ای است که بر سر بسته می‌شود و مهم‌ترین بخش لباس روحانیت است؛ زیرا بر مهم‌ترین عضو بدن (یعنی سر) قرار می‌گیرد. سر آدمی نماد روح، تفکر و شخصیت است؛ لذا آنچه بر سر (والا ترین قسمت بدن) می‌نهند بیشترین و مهم‌ترین معنا را دارد (شهبهانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱). واژه «عمامة» به دو معنی آمده است؛ زیرا هم معرّف یک عمامه کامل است (به معنی عرقچین یا عرقچین‌ها با قطعه پارچه‌ای که به دور آن پیچیده می‌شود) که این عمامه کامل، «عمّة» نیز نامیده می‌شود و هم فقط به معنای قطعه پارچه‌ای است که چندین بار به دور عرقچین یا عرقچین‌ها پیچیده می‌شود (دُزی، ۱۳۵۹، ص ۲۸۸؛ ينول، ۱۹۹۲م، ص ۳۳).

ازهری در «تهذیب اللغه» و ابن منظور در «لسان‌العرب»، وجه تسمیه آن را فراگیری و حُسن پوشاندگی سر می‌دانند (الأزهری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ص ۱۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ص ۴۰۴). برخی عمامه را نشان بزرگی و سیادت می‌شمارند؛ همان گونه که عجم تاج بر سر می‌گذاشت، عرب نیز عمامه بر سر می‌نهاد و شعار «عمامه،



تاج عرب است» مشهور بود و عرب قبل از اسلام نیز با عمامه متمایز می‌شد (احمد علی، ۲۰۰۳م، ص ۲۱۲). عمامه بعد از اسلام نیز نشانه اعراب بود و رنگ‌های مختلفی داشت (همان، ص ۲۱۳). علمای اسلام طی تاریخ به تأسی از سبک پوشش نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از عمامه استفاده کرده‌اند. شرط نیست که عمامه از جنس خاصی باشد. حجم آن نیز بسته به افراد مختلف تفاوت می‌کرده است. دزی نقل می‌کند که «مسلمانان عموماً و فقیهان خصوصاً اندازه عمامه را معرّف درجه احترام خود می‌دانند» (دزی، ۱۳۵۹، ص ۲۸۹). امروزه در ایران نیز علما و روحانیون به تبعیت از سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام عمامه بر سر می‌گذارند (سادات از عمامه سیاه و دیگران از عمامه سفید استفاده می‌کنند).

۱-۲. قبا

قبا، نوعی تن‌پوش مردانه است که ایرانیان و اعراب با اندک تفاوت‌هایی بر تن می‌کردند و امروزه تن‌پوش بیشتر روحانیان شیعه است. قبا از ریشه «قبو» به معنی «الضم والجمع» است. ابن منظور در معنی قبا می‌نویسد: «این لباس به خاطر جمع شدن دو طرف آن، قبا نامیده می‌شد» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ص ۱۶۸). نقل شده که قبا، لباسی است که روی لباس‌های دیگر می‌پوشند و در سفر و جنگ برای اینکه حرکت با آن راحت‌تر است، استفاده می‌شده است. پوشیدن قبا در زمان حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معمول بوده است (فارس الجمیل، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۶؛ دزی، ۱۳۵۹، ص ۳۳۳).

۱-۳. عبا

عبا یا عبایه نیز نوعی روپوش بلند و جلوباز است که ظاهراً به مردان اختصاص ندارد. ازهری می‌نویسد: «عبا نوعی لباس گشاد با خطوط سیاه رنگ است» (الأزهری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ص ۲۳۵). فارس الجمیل از رصافی نقل می‌کند که «أن العباءة كساء من





صوف مفتوح من قدام یلبس فوق الثیاب» (فارس الجمیل، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۱). عبا، لباسی جلوباز از جنس پشم بوده و روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شده است. طبق این معنی، عبایه در عصر رسول الله ﷺ به عبایه‌ای که زنان و مردان امروز در برخی نواحی می‌پوشند و از مقطعات لباس است، شباهت زیادی داشته است. دُزی نیز آن را روپوش کوتاه و جلوبازی می‌داند که آستین ندارد، ولی سوراخ‌هایی در آن تعبیه شده که دست‌ها را از آن می‌گذرانند (دزی، ۱۳۵۹، ص ۲۷۴).

با مرور مطالب بالا و مشاهده سبک پوشش امروز روحانیت شیعه، می‌توان گفت عمامه، قبا و عبای روحانیت شیعه هم‌نام و همگون با وصف تاریخی این لباس‌ها در منابع لغوی و تاریخ پوشاک مسلمانان است.

۲- جایگاه‌شناسی لباس روحانیت؛ از لباس پیامبر تا لباس پیامبری

تلبس به لباس روحانیت شیعه که امروزه بخشی از سبک زندگی دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه شیعه است، از نظر تاریخی، در تاریخ و فرهنگ اسلامی، آداب پوشش و نوع پوشش بزرگان دین - یعنی اهل بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله ریشه دارد. این لباس شامل عبا، قبا و عمامه می‌شود و از نظر شکل و رنگ، شباهت بسیاری به نحوه پوشش اهل بیت علیهم‌السلام دارد. به همین دلیل است که در فرهنگ شیعی ایرانیان، از آن با عنوان «لباس پیامبر» یاد می‌شود. این نام‌گذاری از یک سو، جایگاه برجسته این لباس را در زیست جهان ادراکی و تاریخی انسان شیعی را به‌خوبی نشان می‌دهد و از سوی دیگر، انتظارات و نقش متوقع آنان را از ملبسان به آن هویدا می‌کند؛ نقشی در استمرار «پیامبری» با هویت «پیامبری».

۲-۱. لباس روحانیت؛ لباس دینی و لباس پیامبر

در مطالعات اجتماعی دین، در کنار موضوعاتی چون آیین‌ها، الگوهای رفتاری، مکان‌ها، زمان‌ها و اشیای دینی، از بعضی لباس‌ها به‌عنوان لباس و پوشاک دینی یاد

می‌شود. وولمر (Vollmer) ذیل مدخل «پوشاک دینی در مشرق» در دایرةالمعارف دین، ویراسته میرچا الیاده (Mircha Eliade) با بیان این نکته که سنن دینی مشرق، هم دربرگیرنده فرقه‌هایی است که بر آیین‌های گروهی تأکید اساسی دارند و هم شامل فرقه‌هایی است که آداب دینی آنان دارای ماهیتی خصوصی‌تر و انفرادی است، می‌نویسد:

«این تقسیم‌بندی در شیوه پوشش آنان - پوششی که خود، سبب پیش‌برد بعضی از مفاهیم اعتقادی است - تأثیر می‌گذارد. در جوامعی که فردی روحانی، به‌منزله واسطه‌ای میان خدا و انسان عمل می‌کند، اغلب آیین‌ها یا نمایش گونه‌های همگانی توصیه شده است. در این گونه مراسم، از پوشش‌هایی خاص استفاده می‌شود که پیشوای دینی را به‌صورت فردی متمایز و برجسته نشان می‌دهد. از سوی دیگر، هنگامی که اعمال دینی به‌شکلی از پیش تعیین شده و فرادا انجام گیرد، اگر هم فردی روحانی حضور داشته باشد، کمتر درگیر تظاهرات همگانی است؛ از این رو، پوشش، نقش چندان آشکار ندارد و لباس رسمی در کار نیست» (وولمر، ۱۳۹۷، ص ۴۷۲). او درباره اسلام نیز معتقد است: «چون پیشوای مذهبی یا امام در اسلام وظیفه میانجی‌گری میان خدا و خلق را بر عهده ندارد، در اسلام لباس رسمی برای علما وجود ندارد» (همان، ص ۴۸۲).

البته دینی بودن لباس در چنین وضعیتی منحصر نیست؛ چراکه ادیان اگر توصیه‌هایی درباره پوشاک داشته باشند (به گونه‌ای که لباس خاصی را متعین کنند)، می‌توان از آن به «لباس دینی» تعبیر کرد.

دین مبین اسلام، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را اسوه و الگوی مؤمنان در تمام شئون حیات معرفی کرده **﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾** (احزاب، ۲۱)) و دوری از سیره انبیا را از سفاهت دانسته است **﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ﴾** (بقره، ۱۳۰)). بنابراین، قرآن کریم به پیروی از سیره نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تصریح کرده است تا مؤمنان، این سیره را محور زندگی خود قرار دهند و هرچه بیشتر به



شاخص‌های رفتار فردی و اجتماعی او نزدیک شوند. از سوی دیگر، علمای دین، وارثان انبیا معرفی شده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۶، ص ۳۴۶-۳۴۷). لذا علمای دین به خاطر جایگاه خاصی که دارند، باید در تأسی به رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و الگوگیری از سیره رفتاری حضرت، از عموم مؤمنان پیش‌تر باشند. یکی از ابعاد سنت نبوی، چگونگی لباس پوشیدن حضرت بوده است؛ به همین دلیل، در روایات توصیه شده است که از لباس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استفاده کنید؛ «عن أبي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ قال: قال أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: البسوا ثياب القطن فإنه لباس رسول الله و هو لباسنا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ص ۲۸).

البته محققان در باب پوشاک و لباس پیامبر اکرم بر اساس منابع مختلف تاریخی، فقهی، ادبی، حدیثی و... که اشاراتی داشته‌اند، لباس‌های معمولی پیامبر را شامل عبا، قبا، ردا، بُرد، عمامه، نعلین، کمر بند و عصا می‌دانند (حسنلو، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲؛ چیت‌ساز، ۱۳۷۹، ص ۲۱). فارس‌الجمیل در کتاب ارزشمند «لباس در عصر رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» می‌نویسد: «با توجه به گزارش انس بن مالک، "حَبْرَة" لباس مورد علاقه حضرت و ظاهراً مهم‌ترین جامه ایشان بود» (فارس‌الجمیل، ۱۴۱۵ق، ص ۷۶). حبره، ردایی نسبتاً بلند و گشاد بود که تقریباً تمام بدن را می‌پوشاند و از جنس کتان بافته شده بود و چون در «حَضْرَمُوت» یمن تهیه می‌شد به جامه «حَضْرَمِي» نیز شهرت داشت. این حبره، سفید با راه‌راه‌های عمودی سرخ مات (تقریباً قهوه‌ای)، لباس رسمی پیامبر بود و ایشان با همین لباس، نمایندگان قبایل مختلف را به حضور می‌پذیرفت (چیت‌ساز، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

پیامبر، ردای دیگری نیز از جنس پشم (بُرد یمانی) داشتند که آن را بیشتر در اعیاد و مراسم مذهبی همچون روزهای جمعه و اعیاد قربان و فطر می‌پوشیدند و آن ردایی بلند و گشاد بود با راه‌راه‌های سرخ مات (قهوه‌ای) و سیاه. افزون بر این دو، پیامبر بُرد یمانی سبزی نیز داشتند که راه‌راه‌های عمودی سفید داشت (حَضْرَمِي) و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بُرد را هنگام خواب بر تن می‌کردند. این همان جامه‌ای است که





حضرت علی علیه السلام در شبی که به جای پیامبر در بستر ایشان خوابید، به تن کرد. همچنین، پیامبر لباس‌های دیگری نیز داشتند؛ از جمله کسای معروف «شرطی» که نوعی ردا به رنگ سیاه و از جنس پشم بود، ردایی بحرانی، ردایی زرد، ردایی کاملاً سفید و «جبه‌ای» شامی (رومی) که هنگام عزیمت به غزوه تبوک بر تن داشتند (همان، ص ۲۳).

درباره پوشش سر نیز آن حضرت عمامه‌های متعددی داشتند. عمامه اصلی آن حضرت، عمامه‌ای سیاه از بُرد یمانی بود. حضرت این عمامه را هنگام خطبه خواندن برای مردم و در بعضی از فتوح خود چون فتح مکه بر سر داشتند. این عمامه را که ظاهراً نامش «حرقانیه» بود، بعدها به حضرت علی علیه السلام بخشیدند و حضرت آن را در نبرد صفین بر سر بست. پیامبر صلی الله علیه و آله عمامه دیگری نیز داشتند به نام «سحاب» (ابر) که ظاهراً سفید بود. همچنین عمامه‌ای داشتند به نام «قطریه» از پارچه‌های معروف قطر که نوعی از بُرد یمانی (نیم بُرد) بود با راه‌راه‌های سیاه و قهوه‌ای. از دیگر عمامه‌های آن حضرت، عمامه‌ای زرد بود که آن را با «وَرَس» و «زعفران» رنگ می‌کردند (همان‌جا). گزارش‌های تاریخی‌ای درباره کلاه و عرقچین، عبا، پیراهن، ازار، سراویل (شلوار)، جبه، قبا و حتی جنس، رنگ، و اندازه لباس حضرت نیز وجود دارد (حسنلو، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹-۱۱۳).

در روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر، عمامه خود را بر سر حضرت علی علیه السلام گذاشت و از آن با عنوان «تاج فرشتگان» یاد کرد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ص ۵۸). عبدالله بن سلیمان نیز نقل می‌کند که امام‌زین‌العابدین علیه السلام وارد مسجد شد، در حالی که عمامه‌ای سیاه که طرفین آن بین دو کتف رها شده بود، بر سر داشت.

یاسر خادم و ریان بن صلت نیز درباره نماز عید امام رضا علیه السلام نقل می‌کنند که ایشان برای برگزاری نماز عید شرط کردند که همانند رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، برای اقامه نماز از شهر خارج شوند و مأون اجازه داد و به همه

دستور داد به سمت خانه حضرت حرکت کنند. هنگام طلوع آفتاب، امام غسل کرد و عمامه‌ای سفید از کتان بر سر بست و یک سر آن را بر سینه رها کرد و سر دیگر را به پشت و میان دو شانه انداخت. سپس، عصای خود را به دست گرفت و در حالی که سروال خود را تا نصف ساق پا بالا زده و پایین لباس‌های بلند خود را بالا آورده و به کمر زده بود، به راه افتاد (همان، ص ۵۶).

با توجه به اینکه پس از خلفای راشدین، در دوران بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس، لباس‌های ساده جای خود را به لباس‌های تجملی و رنگارنگ داده بودند و خلفای اموی و عباسی عمامه‌های خود را با اشیا و تزئینات دیگر ترصیع و تزیین می‌کردند، تأکید امام رضا علیه السلام بر سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و عمل بر طبق آن، نشان می‌دهد پوشش عالم دین و حاکم اسلامی دارای اهمیت خاصی است. درباره حضرت حجت علیه السلام نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که: «وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی بن ابی طالب علیه السلام را می‌پوشد و به سیره او عمل می‌کند» (همان، ص ۱۷).

۲-۲. لباس روحانیت؛ لباس دینی، لباس تقوی

افزون بر آنکه تشبیه و تشابه به لباس و نقش پیامبر، معنای قدسی و مقدس بودن آن را نشان می‌دهد، این لباس را «لباس دینی» نیز می‌توان دانست؛ به این معنا که توصیه شده و مطابق با هنجارهای موردانتظار دینی است. قرآن کریم در آیه ۲۶ سوره اعراف به موضوع لباس اشاره کرده و لباس مطلوب قرآنی را لباس تقوا دانسته است:

﴿ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ ﴾.

مفسران قرآن کریم در تفسیر معنی «لباس تقوا» معتقدند مقصود از آن، لباسی است که از حیث نوع، بافت، شکل و وضع مبتنی بر تقوای الهی است و آنچه پوشاندن آن واجب و ضروری است، پوشاندن و آنچه خداوند، اظهار و زینت دادن آن را دوست دارد، آراسته و آشکار کند. بدیهی است چنین لباسی باید همه شرایط





فقهی لباس را داشته باشد؛ یعنی غصبی یا دارای حق غیر نباشد، از پوست میته و حیوانات درندگان گوشت خوار نباشد، نجس یا متنجس غیر معفو نباشد و ساتر باشد. افزون بر این، لباس تقوا لباسی است که صاحبش را از بدی کردن و بدشدن در دنیا و آخرت باز می‌دارد؛ مثل لباسی که انسان برای احرام حج یا عمره فراهم می‌کند یا برای نمازهای یومیه و نماز شب و نمازهای مستحب آماده می‌کند (العدنانی، ۱۹۹۹م، ص ۲۰۴-۲۰۷).

در منابع روایی بر استحباب پوشیدن عبا و عمامه (به عنوان اجزا و لباس روحانیت) تأکید شده است. در روایتی بر پوشیدن عمامه و عبا به ویژه در حال امامت و خطبه جمعه سفارش شده است؛ «قال أبو عبدالله عليه السلام: ينبغي للامام الذي يخطب الناس يوم الجمعة أن يلبس عمامة في الشتاء والصيف و يتردى ببرد يمني أو عدني» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ص ۳۴۱).

سلیمان بن خالد می‌گوید: «سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل أمّ قوما في قميص ليس عليه رداء فقال لا ينبغي إلا أن يكون عليه رداء أو عمامة يرتدي بها» (همان، ج ۴: ص ۴۵۲).

در منابع روایی بر استحباب بر سر گذاشتن عمامه و استفاده از آن به ویژه در نماز تأکید شده است؛ لذا از مجموع شواهد روایی می‌توان استفاده کرد که لباس روحانیت که عمامه و عبا از اجزای اصلی آن است، استحباب شرعی دارد. دو رکعت نماز با عمامه از چهار رکعت نماز بدون عمامه بهتر است (همان، ج ۵: ص ۵۷).

در باره آثار و برکات عمامه نیز آمده است:

«اعتَمُوا تَزَادُوا حِلْمًا؛ عمامه بر سر کنید تا بردباری‌تان زیاد شود»، «العمامة من المُرْوَةِ؛ عمامه از جوانمردی است» و «العمامة تيجان العرب إذا وضعوا العمامم وضع الله عندهم» (همان جا).

با ملاحظه این توصیه‌ها می‌توان گفت لباس روحانیت به هر دو معنا لباس

تقواست؛ یعنی نه تنها شرایط عمومی لباس، بلکه از نظر نوعی و شکلی نیز مطلوبیت دینی دارد و مبتنی بر تقواست. افزون بر آن، این لباس به دلیل پوشاندگی کامل برجستگی های بدن، فرد را از بسیاری از حرکات و رفتارهای زننده بازمی دارد؛ به طوری که می توان این لباس را از مصادیق روشن «لباس تقوا» در معنای دوم شمرد. شکل عمومی این لباس در همان نگاه اول، زیبایی همراه باوقار و عظمت و قداست را می نمایاند و به نوعی عناوین مقام بندگی را می رساند.

به همین دلیل است که سیره و اجماع عملی فقها و علما و بزرگان شیعه بعد از غیبت کبرای امام عصر علیه السلام بر پوشیدن لباس روحانیت (عمامه، قبا و عبا) بوده است. آنان همان عمامه ساده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را تاکنون حفظ کرده اند و بر سر می گذارند. در بین عالمان دین کمتر کسی را می توان یافت که عمامه بر سر ننهد و قبا و عبا بر تن نکرده باشد. با پوشیدن لباس منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام، افتخار سربازی امام عصر را رسماً اعلان می دارند و خود را آماده خدمت این آستان معرفی می کنند؛ البته باید توجه داشت که اگر از لباس روحانیت به عنوان لباس پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام یاد می شود، به این معنا نیست که آن بزرگواران همین عمامه و عبا و قبا را به سبک امروزی آن داشتند، بلکه مقصود از این سخن، اصل این نوع پوشش و وابستگی نمادین این لباس علاوه بر شباهت ظاهری می باشد. لذا تعظیم این لباس نیز بزرگداشت یکی از شعائر الهی به شمار می رود.

۲-۳. لباس روحانیت؛ لباس اجتماعی و سازمانی

بسیاری از نقش های اجتماعی در جامعه با لباس های فرم مخصوص همراه است. لباس فرم پلیس نشانه کسی است که به واسطه نوع لباسی که بر تن دارد، فردیت خود را کنار گذاشته و عامل اعمال قدرت برای دستگیری مجرمان و برقراری نظم و هماهنگی است. لباس فرم پزشک نیز نشانه کسی است که صلاحیت تشخیص و درمان بیماری ها را دارد. اما لباس متمایز روحانیت نشانه چیست؟ لباس روحانیت



شیعه با ترکیب خاص خود در یک بستر تاریخی-فرهنگی به یک لباس متمایز و رسمی تبدیل شده است (اسلامی تنها، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

ملبس شدن به ثیاب روحانیت شیعه با توجه به تاریخ آن، به جز تمثیل به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حاکی از صلاحیت فرد برای ایفای نقش و کارکردهایی خاص است و این لباس نماد آمادگی برای ایفای همین نقش‌هاست؛ از این رو، امروزه رابطه لباس و نقش اجتماعی روحانیت به اندازه‌ای نزدیک است که هر کس این لباس را بر تن داشته باشد، در افکار عمومی به عنوان روحانی شناخته می‌شود. این نقش‌ها، وظایف و کارکردها از چهار مورد زیر بیرون نیست:

۱- تعلیم و ترویج دین؛

۲- تعلیم و تعلم دینی؛

۳- صیانت و دفاع از دین؛

۴- هدایت و اجرای مناسک دین.

همه این موارد چهارگانه هویت ارتباطی دارند؛ لذا می‌توان گفت جوهره وجودی روحانیت، ارتباطی است (شجاعی زند، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱). در حقیقت، لباس فرم روحانی، نماد وابستگی او به یک ایده و رسالت و فرهنگ و نشان از آمادگی برای انجام یک نقش ارتباطی است.

این لباس نشانه فردی است که به واسطه لباس نمادینی که بر تن دارد، وظیفه «دین‌شناسی» و «متدین‌پروری» را در جامعه دارد. این لباس به روحانی این موقعیت را داده که گفته‌ها و عملکرد او به واسطه تثبیت مرجعیت روحانیت در تفسیر و تبیین پیام دین، حجت شرعی و مقبول مردم تلقی شود و در فرهنگ نهادینه و امور روزمره جامعه حضور یابد.

در گفتگوهای مذهبی و بین‌الادیان، در پرسش‌های بسیط و عمیق، دیدگان جامعه به دست صاحبان این لباس معطوف و از ایشان نظر نهایی طلبیده می‌شود. تولید، توزیع و ترویج معرفت دینی و تلاش برای تحقق فرهنگ دینی، وظایف



روحانیت هستند که باید به خوبی عهده‌دار آن‌ها باشند. این وظایف و خدمات گواه نقش ارتباطی، یعنی نقش سنگین «پیام‌بری» روحانیت است.

۳- کارکردشناسی لباس روحانیت؛ لباس نقشی و لباس پیام‌بری

با توجه به جایگاه دینی و اجتماعی لباس روحانیت، بدیهی است که این لباس آثار و کارکردهای گسترده‌ای داشته باشد و تلبس به آن دارای شرایط و قوانین خاصی باشد و صلاحیت‌های خاصی را مطالبه کند. البته امکان‌ها و محدودیت‌ها و مسائل خاصی را نیز برای ملبسان به آن ایجاد می‌کند.

۳-۱. لباس پیام‌بری؛ شرایط، صلاحیت‌های علمی و اخلاقی و قوانین تلبس

امروزه لباس روحانیت، نماد دین شناخته می‌شود. مردم به صاحبان این لباس به‌عنوان الگوهای عملی چشم دوخته‌اند و انتظارات فراوانی از آنان دارند؛ از این رو، افراد قبل از پوشیدن این لباس باید از جایگاه، اهمیت، ارزش و شرایط پوشیدن آن آگاه باشند و تکلیف‌ها، محدودیت‌ها و مشکلات راه را به خوبی بشناسند و با دیدی باز به پوشیدن این لباس اقدام کنند. طلبه‌ای که لباس روحانیت را بر تن می‌کند، باید به پوشیدن مداوم و دوری از دوگانه‌زیستی و هر آنچه منجر به هتک حرمت و ارزش این لباس می‌شود، متعهد گردد و با استمداد از خداوند متعال و توجهات امام عصر^{علیه السلام} در پاسداری از شئون آن تمام تلاش خود را مبذول دارد. زمانی مناسب است طلبه اقدام به پوشیدن لباس کند که انجام وظیفه و رضایت خداوند را در رأس اهداف خود قرار دهد و از شرایط زیر به‌طور نسبی برخوردار باشد:

الف) شرایط اعتقادی و علمی

۱- اعتقاد و ایمان صحیح به اصول و ضروریات دین:

طلبه‌ای که در حوزه علمی درس می‌خواند، باید به اصول دین معتقد باشد و خود را



پاسدار ارزش‌های دینی و اسلامی بدانند. امام حسن عسکری علیه السلام در وصف عالمان بدکار می‌فرماید:

«زیان آن‌ها برای شیعیان ناتوان ما از زیان سپاه یزید برای حسین بن علی علیه السلام و یارانش بیشتر است؛ زیرا آن‌ها جان و مال ایشان را گرفتند و این علما... در دل شیعیان ناتوان ما، شک و شبهه می‌اندازند و گمراهشان می‌کنند» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۶، ص ۴۵۵).

۲- توانمندی علمی:

طلبه‌ای که به لباس روحانیت درمی‌آید، از نظر علمی باید دست کم این ویژگی‌ها را داشته باشد: اتمام سطح آموزش عمومی حوزه، آشنایی با شبهات اساسی و عام روز و پاسخ‌های آن‌ها، آشنایی با آیات و فنون صحیح قرائت قرآن، آشنایی با احکام مورد ابتلا و شیوه‌های پاسخ‌گویی و شناختی متوسط از معارف اسلامی.

(ب) شرایط اخلاقی و رفتاری

۱- رعایت تقوای الهی و ساده‌زیستی:

کسی که به لباس روحانیت ملبّس می‌شود، جایگاه ویژه‌ی در اجتماع می‌یابد و مردم به گونه‌ای دیگر به او می‌نگرند. رفتار و اعمال یک روحانی بیش از دیگران در چشم مردم است و آنان این لباس را لباس انبیا و اولیا می‌دانند و از صاحبان آن، انتظارات ویژه‌ای دارند؛ از این رو، طلبه‌ای که قصد پوشیدن لباس روحانیت را دارد، از نظر اخلاقی و رفتاری باید نسبت به مردم عادی، سطحی ممتاز و برتر داشته باشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«الورع حسن ولكن في العلماء أحسن» و از امام علی علیه السلام نقل شده است: «رأس العلم التمييز بين الأخلاق و إظهار محمودها و قمع مذمومها» (همان، ص ۳۷۸-۳۷۹).



۲- رعایت شئون روحانیت (در رفتار، گفتار و منش):

برای حفظ حرمت و شأن لباس روحانیت، به جز رعایت تقوای عمومی، مواردی وجود دارد که روحانی باید آن‌ها را نیز رعایت کند، اهم این موارد عبارت‌اند از: داشتن وقار و متانت، پرهیز از کارهای خلاف مروّت، اهتمام به شعائر مذهبی (نماز اول وقت، نماز جمعه، نماز جماعت، زیارت، قرائت قرآن و...)، داشتن تواضع و پرهیز از ادعاهای واهی معنوی، اخلاقی، عرفانی و علمی، برخورداری از حسن سابقه و مقبولیت اجتماعی (در محیط زندگی و حوزه و در میان دوستان)، رعایت آداب فردی (لباس پوشیدن، غذا خوردن، خوابیدن، نظافت و...)، رعایت آداب اجتماعی و احترام به قوانین اجتماعی و توانمندی در برقراری ارتباط سازنده و معاشرت با مردم (آداب سخن گفتن و...).

ج) شرایط جسمی و روانی

برخورداری از سلامت و تناسب جسمی و روانی، یعنی مبتلانی بودن به بیماری‌های واگیردار و لاعلاج یا هر گونه اختلالات جسمی و روانی که روحانی را از انجام وظایف تبلیغی و ارتباط با مردم بازدارد یا موجب تنفر مردم از او شود.

د) قانون‌گذاری تلبس

باید توجه داشت که طلاب با احراز شرایط بالا، اقدام به تلبس به لباس روحانیت کنند و پیش از کسب شرایط علمی و عملی لازم از ملبس شدن پرهیزند. مسئولان حوزه هم باید بر این امر، نظارت جدی داشته باشند. شهید مطهری سال‌ها پیش در این باره نوشت:

«یکی از نواقص دستگاه روحانیت، آزادی بی‌حد و حصر لباس روحانیت است.

تدریجاً روحانیون از لحاظ لباس با دیگران متفاوت شده‌اند و لباس مخصوصی پیدا کرده‌اند؛ همچنان که سپاهیان و نظامیان و برخی اصناف دیگر نیز لباس مخصوص



دارند، در تشکیلات روحانی - برخلاف سایر تشکیلات - هرکسی بدون مانع در رادع می‌تواند از لباس مخصوص آن استفاده کند. بسیار دیده می‌شود که افرادی که نه علم دارند و نه ایمان، به منظور استفاده از مزایای این لباس به این صورت درمی‌آیند و موجب آبروریزی می‌گردند» (مطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۴۴).

بی‌تردید طلبه ناآگاه یا رشدنا یافته، بیش از دشمنان آگاه توطئه‌گر در تضعیف نهاد روحانیت و بربادرفتن اعتبار حوزه تأثیر دارد. مشاهده چنین شخصیتی در این لباس موجب می‌شود هر باور نادرست و خلق ناپسند و کار ناشایستی، نه به حساب شخص، بلکه به حساب دین نوشته شود. به این ترتیب، معنای نمادین لباس روحانیت تحریف و تداعی معانی آن منصرف می‌شود (نوری، ۱۳۸۷، ص ۷۱).

بر همین اساس و با توجه به گستردگی حوزه‌های علمیه و ضرورت نظارت بر چگونگی ملبّس شدن طلاب ارجمند و ایجاد وحدت رویه و اطمینان از حصول شرایط اولیه پوشیدن لباس روحانیت، شورای عالی حوزه در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۳ شرایط پوشیدن لباس روحانیت و چگونگی احراز این شرایط را در مصوبه ۳۴۷ معین کرد.

این مصوبه در ۱۳۸۹/۱۲/۲۰ پس از بازنگری، در قالب مصوبه ۷۴۵ آیین‌نامه جدید تلبس ارائه شد. هدف این مصوبه، سازمان‌دهی، رسمیت‌بخشی، حفظ و حراست از قداست لباس روحانیت و تشویق و ترغیب طلاب به تلبس اعلام شد (مسائلی، ۱۳۹۰، ص ۷۶-۸۰).

۳-۲. لباس پیام‌بری؛ آثار و کارکردها در کنشگری ارتباطی

لباس روحانیت یک نماد است؛ نمادی از یک صنف و نشانی از یک نقش اجتماعی. لذا این نماد هم آثاری برای شخص اجتماعی که ایفاگر آن نقش است، دارد و هم کارکردهایی برای حلقه اجتماعی آن نقش و جامعه‌ای که برای تأمین بخشی از نیازهای خود به چنین نقشی نیازمند است.





۳-۲-۱. لباس روحانیت به‌عنوان یک میان‌بر ذهنی:

افراد از روی ظاهر دیگران در جستجوی اطلاعاتی درباره آن‌ها هستند. لباس، اطلاعات مهمی درباره پیشینه افراد ارائه می‌کند و همچون میان‌بر ذهنی در تشخیص جنسیت، منزلت اجتماعی، عضویت گروهی، مشروعیت اقتدار و شغل و نقش اجتماعی فرد عمل می‌کند. لباس روحانیت نیز اولاً راهی سریع و ساده برای شناخت و مراجعه به افرادی است که توان پاسخگویی به نیازهای دینی مردم را دارند و ثانیاً با توجه به ضوابط و قوانین درون سازمان روحانیت تنها کسانی که توان ایفای نقش روحانیت را دارند (در بیشتر موارد)، ملبس به این لباس‌اند؛ لذا دو شرط لازم برای موفقیت میان‌برهای ذهنی در لباس روحانیت وجود دارد.

۳-۲-۲. لباس روحانیت و تصور قالبی از روحانیت:

لباس فرم باعث ایجاد تصورات قالبی درباره منزلت اجتماعی، اقتدار، نگرش و انگیزه‌های فرد می‌شود. تصورات قالبی همانند چارچوب‌های شناختی دیگر، تأثیر فراوانی بر نحوه پردازش اطلاعات شناختی ما دارند؛ اولاً باعث سرعت پردازش اطلاعات مربوط به یک تصور قالبی می‌شود، ثانیاً شخص را وادار می‌کند به نوع خاصی از اطلاعات که با تصورات قالبی متناسب است، بیشتر توجه کند و ثالثاً زمینه نادرست‌شمردن یا انکار اطلاعات ناسازگار با تصورات قالبی را فراهم می‌کند. لباس روحانیت همانند لباس فرم نقش‌های اجتماعی دیگر، موجب ایجاد تصور قالبی درباره افراد صاحب این لباس می‌شود؛ به‌گونه‌ای که همه افراد یگ گروه را در نگرش‌ها و رفتارها مشابه تصور کنیم و انتظارات یکسانی از آن‌ها داشته باشیم.

۳-۲-۳. لباس روحانیت و تداعی ارزش‌ها برای صاحب لباس و دیگران:

لباس روحانیت نماد نقش اجتماعی روحانیت است و نقش اجتماعی روحانیت ادامه نقش اجتماعی-الهی انبیا و اولیا در تبلیغ ارزش‌های الهی است. این لباس به‌دلیل

همراهی همیشگی تاریخی با دانشمندان و شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام، بندگان شایسته، فقیهان نامدار، عارفان متأله و عالمان مجاهد که جایگاه جانشینی پیامبران را دارند، تداعی کننده یاد همه آن رادمردان است. این لباس تداعی گر این گروه و ارزش‌هایی است که آن‌ها با دل و جان برگزیده و در راه آن فداکاری کرده‌اند.

۳-۲-۴. اعلام آمادگی برای ایفای نقش اجتماعی روحانی:

این لباس، لباس عالم دین است؛ یعنی کسی که با پوشیدن این لباس اعلام آمادگی برای ایفای نقش اجتماعی در تبیین، تبلیغ و تحقق اهداف دینی می‌کند. روحانی با پوشیدن این لباس برای انجام خدمات اجتماعی به همه حلقه اجتماعی خود در حوزه انتظارات مشروع از موقعیت اجتماعی روحانیت، اعلام آمادگی می‌کند. همان‌گونه که پزشک، پلیس یا راننده تا کسی هر کدام با استفاده از نماد ویژه‌ای هویت نقشی و نوع خدمات اجتماعی خود را اعلام می‌کنند، روحانی نیز به‌عنوان یک شخصیت اجتماعی با این نماد، نقش و نوع خدمات اجتماعی دینی خود را به حلقه اجتماعی خود ابراز می‌کند.

۳-۲-۵. اعلام حضور و پویایی نهاد دین:

این لباس، اعلام موجودیت فرهنگ دینی در جامعه و نشانی از حیات و حضور نهادین و اندیشه‌های اصیل نشأت گرفته از آن است. تعداد و زیاد روحانیون، نمایانگر حساسیت‌ها، علاقه‌ها، آرزوها و باورهای مردم است و طرز فکر لایه‌های باطنی جامعه را آشکار می‌سازد.

اهمیت و عظمت دین در استقبال اعضای جامعه از سازمان‌های منسوب به دین و نمادهای آن آشکار می‌شود. این استقبال به دو صورت موجب پویایی بیشتر دین می‌شود؛ از یک سو، با تأمین نیروی انسانی بیشتر، رسالت‌های روحانیت بهتر



انجام می‌پذیرد و از سوی دیگر، با تشویق غیرمستقیم دیگران (از طریق لباس). لذا می‌توان گفت رابطه‌ای مستقیم بین کثرت روحانیون و افزایش اهمیت و پویایی دین وجود دارد.

۳-۲-۶. القای ناخودآگاه حقانیت (هم‌نوایی اطلاعاتی افراد جامعه با ارزش‌های دینی):

جمعیت فراوان روحانی در یک منطقه به خودی خود استدلالی نامرئی بر حقانیت این مسیر است؛ زیرا افراد به خود می‌گویند: اگر این ارزش‌ها ناحق بود این جمعیت به آن گرایش نداشتند و از مبلغان آن این‌گونه استقبال نمی‌کردند و روحانیون نیز با لباس متمایز به تبلیغ ارزش‌های دینی نمی‌پرداختند. هرچند این استدلال موجب حقانیت منطقی نیست، ولی بیشتر مردم کثرت افراد و رأی و داوری آن‌ها را بر نظر خود ترجیح می‌دهند (هم‌نوایی اطلاعاتی) و ناخودآگاه با جمع هم‌نوا می‌شوند. لذا اگر یک پدیده، نادر باشد، زمینه‌طرز آن بیشتر است؛ ولی اگر فراوان باشد، مردم کثرت آن را دلیل بر حقانیت آن تلقی می‌کنند. بنابراین، مردم کثرت وجود روحانی را دلیل بر حقانیت ارزش‌های دینی تلقی می‌کنند.

۳-۲-۷. قداست ذاتی لباس و بهره‌مندی از عنایات ویژه معنوی:

عنایات‌های ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام به طلاب و علما که داستان‌های آن در منابع و کتاب‌های سرگذشت بزرگان دینی وجود دارد، شاهدی بر قداست این لباس و عنایات و بهره‌های معنوی است که در سایه تلبس به این لباس برای طلبه فراهم می‌شده است (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

۳-۳. لباس پیام‌بری: آداب، وظایف و مسائل اخلاقی

۳-۱-۳. آداب و وظایف اخلاقی تلبس

لباس روحانیت، مثل لباس عمومی و عادی نیست. لباس روحانیت، لباس مبلغان دین



و ورثه انبیاست و گذاشتن عمامه، مقدمه‌ای برای تبلیغ دین است. لحظه پوشیدن لباس و به اصطلاح، معمّم شدن ظاهراً با پیش از آن هیچ تفاوتی ندارد؛ نه بر علم طلبه افزوده می‌شود، نه معنویت و تقوای او را دو چندان می‌کند. اما لحظه سرنوشت‌سازی است.

عمامه، چند متر پارچه بیشتر نیست، اما هنوز به سر نهاده، سنگینی‌اش احساس می‌شود و الحق که هر گردنی توان کشیدن این بار گران را ندارد و هر سری لایق این نشان نیست. لذا یک اتفاق مهم رخ می‌دهد و آن قبول مسئولیت‌های جدید است. لباس روحانیت، لباس انبیاست و روحانی در راهی قدم گذاشته است که انبیا قدم نهاده‌اند. بدیهی است کسی که این مسئولیت را انجام می‌دهد، از عنایات ویژه الهی نیز بهره می‌برد و اجر و پاداش معنوی‌اش مضاعف می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). لذا در تلبس به این لباس که لباس «پیامبر» و «پیام‌بری» است، طلبه باید از نگرش و روش قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام الگو گیرد. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱- رعایت احکام و آداب عمومی پوشش که در سیره پیامبر و اهل بیت توصیه شده است؛ مثل اهتمام به نظافت، بهداشت، نظم و آراستگی لباس، حمد و ستایش خداوند بر نعمت لباس قبل از پوشیدن و پس از آن، دعا هنگام گذاشتن عمامه بر سر یا نشسته پوشیدن لباس و مقدم‌داشتن طرف راست هنگام پوشیدن و طرف چپ هنگام درآوردن لباس (حسنلو، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶-۱۱۶)؛

۲- انطباق متناسب با تنوع فرهنگی و شرایط جامعه عصر خود؛

۳- اجتناب از تجمل‌گرایی و شهرت‌طلبی؛

۴- رعایت تناسب کیفیت و سبک زندگی با شأن لباس با ملاحظه شرط مروت و

پرهیز از هتک حیثیت روحانیت؛

۵- مردمی‌بودن و پرهیز از قداست‌بخشیدن به خود؛

۶- حضورنیافتن در مجالس و مکان‌های خلاف شأن؛

۷- دوری از کارها و شغل‌های نامتناسب با لباس روحانیت؛



- ۸- اجتناب از سوءاستفاده از لباس روحانیت؛
۹- احراز صلاحیت‌های علمی و عملی لازم و اخذ مجوز قانونی تلبس (مسائلی، ۱۳۹۸، ص ۵۵-۸۱).

۳-۲. مسائل اخلاقی و رفتاری لباس روحانیت

طلاب در تلبس به لباس روحانیت با برخی مسائل نگرشی، اخلاقی و رفتاری مواجه‌اند. مهم‌ترین این مسائل عبارت‌اند از:

الف- افراط در احراز شرایط تلبس:

برخی از طلاب در احراز شرایط تلبس دچار افراط می‌شوند و با این ادعا که از یک سو، طلبه مصون از خطا نیست و از سوی دیگر، مسئولیت سنگین این لباس، واهمه شدیدی در دل‌ها ایجاد می‌کند، از تلبس اجتناب می‌کنند. در حقیقت، طلبه‌ای که به این علت از پوشیدن لباس نمادین نقش اجتماعی خود امتناع می‌کند، تعریف درونی‌اش از موقعیت اجتماعی، بسیار آرمانی و متعالی است.

او نقش اجتماعی روحانیت را ادامه نقش اجتماعی انبیا و اولیای الهی می‌داند، اما ممکن است این ذهنیت متعالی از واقعیت فاصله بگیرد و به تدریج با پرهیز طلاب از پوشیدن لباس روحانیت، این نقش اجتماعی دچار بحران ایفای نقش شود. بدون شک، طلبه برای ایفای نقش روحانی باید شرایط علمی و عملی لازم را احراز کند و با داشتن نصاب شرایط علمی و عملی که در واقع همان نقش مقرر اجتماعی روحانی است (که محیط اجتماعی و حلقه اجتماعی روحانی برای او تعیین کرده است)، ملبس شود.

آشنایی با عقاید، احکام و اخلاق دینی و توان پاسخگویی به نیازهای حلقه اجتماعی (که البته با توجه به شرایط منطقه و حلقه اجتماعی روحانی، متفاوت است)، نصاب شرایط علمی و التزام به واجبات و ترک محرّمات، نداشتن نقص



شخصیتی خاص و شایسته بودن در میان حلقه اجتماعی، نصاب شرایط عملی برای تلبس است. لذا فاصله گیری بی اندازه از نقش ذهنی و نقش مقرر باعث می شود فرد در ایفای نقش دچار وسواس شود و در شایستگی خود برای اجرای نقش اجتماعی تردید کند.

ب) شبهه نداشتن اصالت و ریشه دینی و تاریخی لباس روحانیت:

با وجود اینکه این لباس منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله و اولیای دین است، معلوم نیست که آن ها هم همین گونه لباس می پوشیدند یا نه. با توجه به گزارش های تاریخی از نحوه تعامل پیامبر با مردم، لباس و پوشش حضرت تفاوتی با نوع پوشش مردم نداشت؛ به گونه ای که کسانی که اولین بار ایشان را زیارت می کردند، اصلاً نمی توانستند حضرت را از نوع پوشش از دیگران تمایز دهند. در تحلیل این مطلب نیز می توان گفت فردی که با ایجاد شبهه در اصالت لباس نمی خواهد ملبس شود، در حقیقت با نفی ویژگی نمادین لباس، قصد دارد بهانه ای برای تخلف از هنجار پوشش رسمی نقش اجتماعی روحانیت برای خود دست و پا کند. بر فرض اینکه این نماد اصالت شرعی و تاریخی نداشته باشد، آیا اشکالی دارد که روحانیت مانند برخی اصناف اجتماعی، نماد ویژه ای داشته باشد؟ ضمن اینکه در سنت اهل بیت علیهم السلام نیز استفاده از نمادها وجود دارد.

ج) احساس تحقیر اجتماعی ناشی از تمسخر و هتک قداست:

متأسفانه در میان مردم، کسانی هستند که این لباس را تمسخر و به آن اهانت می کنند و وجود آن را عامل بدبختی و گرفتاری می دانند؛ به همین دلیل، برخی از پوشیدن این لباس اجتناب می کنند، چرا که تحمل چنین فشار اجتماعی را ندارند و برای رهایی از تحقیر اجتماعی ترجیح می دهند لباسی متمایز از مردم نداشته باشند تا دیگران از صنف و شغل آن ها آگاه نشوند. آنان از ترس تهمت خودنمایی یا



ریاکاری، احساس حقارت یا خجالت، توهم نگاه اعتراض آمیز دوستان و آشنایان و عواملی از این دست، از به کارگیری این نماد پرهیز می کنند.

در تحلیل اجتماعی این علت می توان گفت فردی که می خواهد به عنوان شخص اجتماعی، موقعیتی را اشغال کند باید به آن موقعیت افتخار کند و از آن رضایت داشته باشد. امتیازات اجتماعی ملازم با موقعیت اجتماعی را در نظر بگیرد و دست به انتخاب بزند. کسی که به دلایل روان شناختی چون شرم، ترس و احساس خجالت یا حقارت از این نماد استفاده نمی کند، در حقیقت ارزیابی مثبتی از موقعیت اجتماعی روحانیت ندارد و در تعریف ذهنی خود از این نقش، آثار روان شناختی مذکور را ملازم می بیند؛ لذا از آن اجتناب می کند.

(د) اعتقاد به عدم ضرورت اجتماعی:

برخی معتقدند ایفای نقش مقرر اجتماعی دانش آموخته گان دینی یعنی شناخت دین، تبلیغ آن به مردم و تلاش برای تحقق اهداف دین، بدون داشتن لباس ویژه نیز امکان پذیر است و نیازی نیست که عالمان دین لباسی متمایز از دیگران داشته باشند؛ همانگونه که استادان دانشگاه های معارف دین که امر پژوهش، آموزش و تبلیغ دین را به عهده گرفته اند، تمایز پوشش را ضروری نمی دانند.

(ه) احساس ترس یا محدودیت اجتماعی:

پوشیدن این لباس دشوار نیست، اما در آوردن آن بسیار سخت و بلکه ناممکن است. کسی که این لباس را به تن می کند، اگر به هر دلیل از ادامه راه پشیمان یا منصرف شود، از ترس اتهام خلع لباس و سنگینی نگاه مردم نمی تواند آن را کنار بگذارد.

افزون بر آن، پوشیدن این لباس موجب محدودیت می شود؛ بلندی لباس دست و پاگیر است و حرکت انسان را کند می کند و در سرما و گرما مشکل ساز



است. این لباس برای انجام برخی کارها (مثل استفاده از موتورسیکلت) محدودیت ایجاد می‌کند؛ لذا طلبه با ملبس نشدن می‌خواهد آزادتر و راحت‌تر باشد.

(و) عملکرد نادرست برخی روحانیون معنی این نماد را تغییر داده است:

برخی ممکن است بگویند که با توجه به جامعه معاصر ما، به دلیل عملکرد نادرست برخی روحانیون یا تبلیغ سوء دشمنان، معنی این نماد از لباس علم، تقوا و ساده‌زیستی به لباس مفت‌خوری، تنبلی، بیکاری، پرگویی، خانه‌نشینی و کم‌سوادی همراه با پرتوقعی و احترام‌طلبی تغییر یافته است؛ از این رو، ضرورتی در استفاده از این نماد وجود ندارد.

(ز) الگوگیری از دیگر حوزویان:

برخی طلاب نیز موفقیت بعضی نیروهای حوزوی غیرملبس در عرصه تبلیغ دین در دانشگاه‌ها را علت استفاده نکردن از لباس می‌دانند. آن‌ها معتقدند این لباس خود مانعی برای ارتباط است و مانند حجاب و مانع ارتباطی، قدرت نفوذ را از می‌گیرد و تأثیر کلام را کم می‌کند. لذا می‌بینیم که این نیروهای حوزوی با مردم هم‌لباس می‌شوند تا مردم آن‌ها را از خود بدانند؛ در نتیجه، سریع‌تر و بهتر به وظایف خود عمل می‌کنند و موفق‌ترند.

(ح) وجود برخی ناهنجاری‌های لباس و شکل ظاهری:

وجود برخی ناهنجاری‌های لباس و شکل ظاهری روحانیون نیز ممکن است موجب کم‌رقبتی طلاب به تلبس شود.

اگر در پوشش روحانیون اندکی تأمل کنید، در میان این صنف برخی ناهنجاری‌های پوششی مانند آشفستگی عمامه، کم‌توجهی به زیبایی آن، زیاد بزرگ یا کوچک بودن عمامه، باز گذاشتن دکمه قبا، کشیده شدن عبا روی زمین و بلندی بیش



از اندازه آن، ناسازگاری رنگ قطعات لباس و کوتاه‌تر بودن عبا از قبا یا لباده، زیبایی این لباس و نوع پوشش را کم می‌کند.

البته در مقام جمع‌بندی باید گفت مسائل تلبس و علل ملبس‌نشدن طلاب، محدود به این موارد نیست؛ اما مهم‌ترین موارد بی‌رغبتی به ملبس‌شدن یا انگیزه‌های احتمالی آن، در این موارد وجود دارد.

البته همه این موارد را که برخی جزو علل شناختی و برخی جزو علل انگیزشی است، می‌توان با ارائه و تبیین درست جایگاه این نماد دینی، اهمیت و اصالت دینی آن و فواید آثار فردی و اجتماعی آن برطرف و با برنامه‌ریزی درست، طلاب را به ملبس‌شدن ترغیب کرد.



نتیجه‌گیری

هدف ما در این مقاله فهم جایگاه و نقش تلبس در کنشگری روحانیت در جامعه اسلامی بود. مطالعه تحلیل تاریخی نشان داد که لباس روحانیت در جامعه ما به تدریج شکلی متمایز و هویتی نمادین یافته است. مطلوبیت دینی این نوع تلبس در کنار انتساب نمادین و تاریخی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نه تنها آن را در جایگاه لباسی دینی قرار داده، بلکه آن گونه که در فرهنگ عمومی کنشگران شیعی مشهور است، باید این لباس را «لباس پیامبر» دانست. در عین حال، هویت نمادین آن در دلالت بر نقش اجتماعی روحانیت، هویت ارتباطی این نقش و آثار و کارکردهای متنوع لباس به گونه‌ای است که می‌توان لباس روحانیت شیعه را لباس ارتباطی و «لباس پیام‌بری» و پیام‌رسانی دینی دانست.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. احمد علی، صالح (۲۰۰۳م)، *المنسوجات و الألبسة العربیة فی العهود الاسلامیة الأولى*، بیروت: شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.
۴. الأزهری، محمد (۱۴۰۸ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. اسلامی تنها، اصغر (۱۳۸۹)، بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانش‌آموختگان حوزوی به لباس روحانیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.
۶. اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۱)، «لباس روحانیت شیعه به مثابه دال سیاسی در ایران معاصر»، *علوم سیاسی*، ش ۶۰، ص ۱۰۹-۱۳۳.
۷. بینول، ا. (۱۹۹۲م)، *اللباس و الزینة فی العالم العربی*، بیروت: شركة المطبوعات للتوزیع و النشر.
۸. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۴)، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران: سروش.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.
۱۰. حسنلو، امیرعلی (۱۳۹۲)، *پوشش و تغذیه در سیره معصومان علیه السلام*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، *تاج آسمانی؛ رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در جشن‌های عمامه‌گذاری طلاب*، تدوین م. شعبانی مفرد، قم: پاد اندیشه با همکاری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۲. دُزی، راینهارت (۱۳۵۹)، *فرهنگ البسه مسلمانان*، ترجمه حسینعلی هروی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۳. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۸)، «روحانیت و موقعیت جدید»، *شیعه‌شناسی*، سال ۷، ش ۲۷، ص ۲۳۱-۲۶۴.



۱۴. شهباز بروجنی، سمیه (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر نگرش نسبت به لباس در تجربه زیسته همسران طلاب»، فرهنگ پژوهش، ش ۳۶، ص ۹۱-۱۲۲.
۱۵. شهشهبانی، سهیلا. (۱۳۷۴)، تاریخچه پوشش سر در ایران، تهران: مدبّر.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۸۷)، لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۸. عالم‌زاده نوری، محمد (۱۳۹۳)، درآمدی برزی طلبگی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
۱۹. العدنانی، الخطیب (۱۹۹۹م)، الملابس و الزینة فی الاسلام، بیروت: مؤسسه الانتشار العربی.
۲۰. فارس‌الجمیل، محمد (۱۴۱۵ق)، اللباس فی عصر الرسول دراسة مستمرة من مصادر الحدیث النبوة الشریف، کویت: مجلس النشر العلمی.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۶)، العلم و الحکمة فی الكتاب و السنة، قم: دار الحدیث.
۲۲. مسائلی، مهدی (۱۳۹۸)، لباس روحانیت؛ جامعه پیام‌بر، تهران: کانون اندیشه جوان.
۲۳. نصر، سیدحسین (۱۳۸۷)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسدی، تهران: نشر نی.
۲۴. وولمر، ج. ا. (۱۳۹۷)، «پوشاک دینی در مشرق»، در فرهنگ و دین: برگزیده مقالات دایرةالمعارف دین، ویراسته میرچا الیاده، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: طرح نقد.

References

1. *The Holy Quran*.
2. Ahmad Ali, S. (2003), *Arabic textiles and clothing in the early Islamic eras*, Beirut: Publications Company for Distribution and Publishing.
3. Al-Adnani, A. (1999), *Clothing and adornment in Islam*, Beirut: The Arab Diffusion Institute.
4. Alamzadeh Nouri, M. (2008), *Clergy clothes; whys and wherefores*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
5. Alamzadeh Nouri, M. (2014), *Income on livelihood*, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Sciences.
6. Azhari, M. (2001), *Tahzib al-lugha* [The refinement of Arabic in terms of lexicon], Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabi.
7. Binol, A. (1992), *Dress and fornication in the Arab world*, Beirut: Publications Company for Distribution and Publishing.
8. Dozi, R. (1980), *The culture of Muslim clothing*, translated by H. Heravi, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
9. Fares al-Jamil, M. (1415 AH), *Clothes in the age of the Prophet are a continuous lesson from the sources of the hadith of the noble prophets*, Kuwait: Scientific Publishing House.
10. Haddad Adel, Q. (1995), *Culture of Nudity and Cultural Nudity*, Tehran: Soroush.
11. Hasanlu, A. (2014), *Cover and nutrition in the life of the Infallibles*, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Sciences.
12. Horr Amili, (1409 AH), *Wasa'il al-Shia*, Qom: Al al-Bayt Institute.
13. Ibn Manzoor, M. (1408 AH), *lisan al-Arab*, Beirut: Dar al-Ehya al-Torath al-Arabi.
14. Islami Tanha, A. (2010), *The sociological study of the view point of students of howza toward the shits clergymen uniform*, Master Thesis of Baqer al-Uloom University.
15. Islami Tanha, A. (2013), "The Outfit Of Shiite Clergy As A Political Significant In The Contemporary Iran", *Political Science*, Vol. 15 , No. 60, p.109_133.
16. Khamenei, A. (2014), *Celestial crown; Guidelines of the Supreme Leader of the Revolution in the turbaning ceremonies of the students*, Edited by M. Shabani Mofrad, Qom: Anti-Thought in collaboration with the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom.
17. Masaeli, M. (2009), *Clergy clothes; the garment of the message*, Tehran: Young Thought Center.
18. Mohammadi Rey Shahri, M. (1997), *Knowledge and wisdom in the Book and the Sunnah*, Qom: Dar al-Hadith.
19. Nasr, S. (2008), *Young Muslim and the modern world*, translated by M. Asadi, Tehran: Ney Publishing.
20. Shahbaz Brojeni, S. (2020), "A Study of Sociological Factors on the Attitude Towards the Clergy's Clothing in the Lived Experience of Students' Wives", *Research culture*, Vol. 11, Issue 36, p. 91-122i
21. Shahshahani, Sii (1995), *History of head covering in Iran*, Tehran: Modaber.
22. Shojaee Zand A. (2009), "The Clerics And The Recent Situation", *Shiite Studies*, Vol. 7, No. 3 (27), p. 231-264.
23. Tabatabai, S. (1417 AH), *al-mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
24. Wolmer, J. (2008), "Religious clothing in the East", In *Eliyadeh, Culture and Religion: Selected Articles in the Encyclopedia of Religion*, translated by M. Ouhadi, Tehran: Tarhe naghd.